

روابط استعماری بعد از پایان استعمار

۲۵ بهمن ۱۴۰۱ ساعت ۹:۵۱

کشورهای استعمارگر پیشین هرگز از نفوذ خود در مستعمره پیشین خویش دل برکنندند و بسیاری از کشورهای استعمارگر، استعمار را به شکلی متفاوت و در قالب استعمار نو ادامه دادند.

بعد از رهایی مستعمرات از استعمار کهن، بسیاری از تحلیلگران تصور کردند که دوره استعماری به پایان رسیده است. اما برخلاف این تصور، شکل جدیدی از سیطره و استعمار کشورهای استعمارگر بر کشورهای ضعیف آغاز شد که گرچه به مانند شکل سنتی آن مستقیم نبود؛ اما به صورت غیرمستقیم اقتصاد و سیاست بسیاری از کشورها را هدف قرار داد.

«کشورهای استعمارگر پیشین هرگز از نفوذ خود در مستعمره پیشین خویش دل برکنندند. برای انگلستان «سازمان ملت‌های همسود» رابطه اقتصادی و سیاسی با مستعمرات پیشین را استوار نگه می‌داشت. فرانسه شیوه‌ای همانند - هم کاری - به کار برد و با مستعمرات پیشین خود پیمان‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی بست. در این چارچوب بیشتر کمک‌های مالی فرانسه صرف هزینه‌های گزاف طرح‌های غول‌آسایی می‌شد که از گسترش اقتصادی و فرهنگی بسا دور بود. فرانسه از پایگاه‌های نظامی که در این مستعمرات برای خود نگه داشته بود به کشورهایی هم چون «توگو»، «چاد»، جمهوری آفریقای میانه» و «گابون» لشکرکشی می‌کرد و چه بسا هم به کشورهایی که با فرانسه پیمان هم کاری نداشتند، هم چون «زئیر». دو رئیس‌جمهوری فرانسه «والری ژیسکاردستن» و «فرانسوا میتران» به نام حفظ منافع فرانسه از رژیم‌های سیاسی دیکتاتور و فاسد پشتیبانی می‌کردند. بر روی هم، کمک‌های مالی فرانسه و انگلستان به کشورهای نواستقلال در راه منافع خود این دو کشور به مصرف می‌رسید. دو کشور ابرقدرت - آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی - نیز، هرچند که قدرت‌های استعمارگر نبودند، پشتیبانی‌ها و کمک‌هایی که هریک به کشورهای جهان سوم می‌کردند همانند انگلستان و فرانسه سودجویانه بود. آمریکا از کشورهایی پشتیبانی می‌کرد که از کمونیسم بیمناک بودند، هم چون پاکستان و کره جنوبی. در ویتنام جنوبی آمریکا به همین بهانه در جنگی درگیر شد که تا ۱۹۷۳ نتوانست خود را از آن برهاند و بن بست بود که جز ناکامی سرانجامی برای آمریکا نداشت.»

